بسم الله الرحمن الرحيم

فتح

إنا فتحنا لك فتحاً مبينا

دور دوم نشراتی شماره دوم- شنبه ۳۰ دلو ۱۳۷۲ هجری شمسی
مطابق ۹رمضان المبارك ۱٤۱٤- ۱۹فبروری ۱۹۹٤م

جنرال گروموف معاون وزات دفاع روسیه:

بیست هزار نظامی روسی در جنگ هاي افغانستان کشته و زخمي گردیده است

جنرال گروموف رئیس هیئت نظارت برخروج ارتش سرخ از افغانستان روز دوشنبه ۲٦ دلو مصادف با پنجمین سال روز فرار ارتش سرخ از افغانستان طی کنفرانس مطبوعاتي در مسکو اعتراف نمود ظرف ده سال حضور نیروهای شورروی سابق در افغانستان بیشتر از پانزده هزار عسکر و (ص-۸)

مردم مسلمان چهار آسیاب خواستار بیرون رفتن ملیشه ها از منطقه گردیدند

مردم مسلمان چهار آسیاب که از فساد و بی بندباری ملیشه های لجام گسیخته دوستم بستوه آمده اند تا کنون چندین مرتبه از حکمتیار خواسته اند که آنها را از منطقه بیرون براند و مراکزبرایشان در خارج از مناطق مسکونی بسازد و آنان حاضر اند اعاشه و اباته اجباری آنها را که برایشان وضع شده است به آن مراکز برسانند اعتراض مردم برای آن بالا گرفته است که ملیشه ها در داخل مناطق مسکونی دست به بی بند باری و اعمال منافی اخلاق زده و خانواده ها را موردهتك حرمت قرار داده اند.

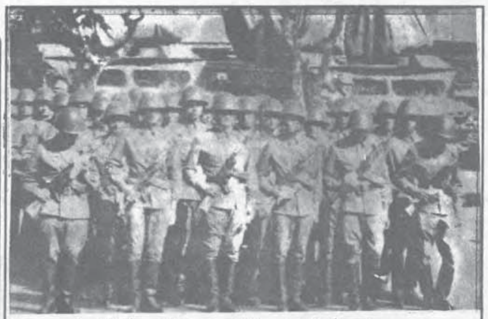
داسلامی هیوادونو کنفرانس مشر داکتر حامد الغابد په وړاندیز او دروژی دمبارکی میاشتی په درناوی

دافغانستان اسلامی دولت لخوا داوربند اعلان وشو

په ۸ مخ کی

یاداشت وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان در ارتباط به مداخله ازبکستان در امور داخلی افغانستان

ص(۸)



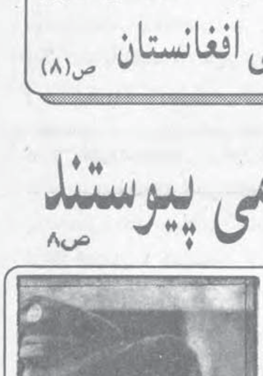
* دسته یی از قشون سرخ شوروي سابق در افغانستان

دولت اسلامی افغانستان خواستار حل مسالمت آمیز معضله کشمیر بر اساس فیصله های سازمان ملل و مراجعه به اراده مردم آن سرزمین میباشد

ص-(۸)

پنجصد تن از نیروهای حزب اسلامی در خنجان به دولت اسلامی پیوستند

ص۸



حکمتیار: کمونستها کابل را هدف بمباردمان قرار میدهند!

ص(٦)

استعفای رئیس دولت راه حل نیست

با سرنگونی رژیم نجیب آخرین مهره کمونیزم درافغانستان اولین مانع برای تشکیل حکومت اسلامی از سر راه مجاهدین دور گردید و بدینتریب نخستین گام برای تا سیس حکومت توسط رهبران جهادی و نمایندگان آنها طی جلسات مستمر در پشاور برداشته شد و فیصله بعمل آمد موقتاً صبغت الله مجددی در راس شورای جهادی و ممثل دولت اسلامي افغانستان وارد کشور شود و پس از دو ماه استاد برهان الدین ربانی بحیث رئیس جمهور و رئیس شورای رهبری زمام امور مملکت را بدست گیرد.

تصمیم سپردن سمت ریاست دولت به استاد ربانی پس از جر و بحث های زیاد و طولانی میان رهبران و نمایندگان تمام تنظیم های جهادی اتخاذ گردید، زیرا شخصیت دیگریکه مواصفات متناسب با استاد ربانی را دارا باشد و به اتفاق ارای تنظیم های جهادی به این سمت معرفی گردد وجود نداشت. نمایندگان تمام احزاب بشمول حزب اسلامی حکمتیار در پای فیصله نامه پشاور امضاء نمودند ولي ساعاتی بعد سخنگویان حزب نارضایتی شانرا از فیصله قبلی اعلام کردند.

معلوم بود که از همان اول حزب اسلامی در صدد ماجرا جوئی بر آمده و بهانه طلبی میکند.

هنگام امضای معاهده اسلام آباد بازهم حکمتیار بود که با لبخند و

ص (۸)

روژه؛ دانسان جوړوني مکتب

په (۵) مخ کی

بمناسبت فرار قشون سرخ از افغانستان ۲۶دلو ۱۳٦۷ هـ ش ۱۵فبروري ۱۹۸۹م

از تجاوز تا فرار

ص(۳)

استاد سیاف دیوی مرکی په ترڅ کي وویل:

له حکمتیار نه په کلکه غوښتنه کوو چي لدغه ننګین ائتلاف نه دی ووځی او له جګړی نه دی لاس واخلی

په (۸) مخ کی

کودتائی که در یازدهم جدی بر علیه دولت اسلامی افغانستان براه افتاد، بغاوتی بود که توسط ملیشه های بدنام به سرکردگی دوستم و پرچمي ها سازمان داده شده بود و در این راستا چهره، «افراد» خود خواهی که کشته، مقام و قدرت بودند بدلیل

فاسد، خائن، غارتگر و... نیست بشرطیکه آنها در پهلوی وی قرار داشته باشند...!

گیریم حرف گلبدین حکمتیار صحیح است و جنگ ازجانب دولت اسلامی بالای دوستم تحمیل شده ! (در حالیکه قضیه عکس مدعاست،

کودتا به شکست مواجه شده و کودتاچیان بخت نگون شانرا تا هنوز با افروخته نگهداشتن آتش فتنه و بغاوت، نکوهش می کنند، چرا بجرم خود اعتراف نمیکنند تا باید بپای میز محاکمه کشانده شوند و بالاثر اعمالیکه که مرتکب شده اند باز-

موجود در کشور... با توجه به خصوصیات بارزی که یك رهبر اسلامی باید از آنها برخوردار باشد، صورت پذیرفته!

علاوه به آنچه گفته آمدیم- در شرائط و اوضاع و احوال فعلی عمده ترین مسئله ای که بآن نیاز مبرم و

ما و وقعی نگذاشتن به رأی و خواست ملت است. بدون شك این لجاجت و پررونی ناشي از عقده، دیرینه، مطر و- دین ملت در برابر قوت های جهادی، شخصیت های نظامی- فکري و علمي و مقام رهبری آنست که نمیخواهند ثبات و صلح و آرامش در کشور

صدراعظم حق ندارد از رئیس جمهور قانونی تقاضای استعفا کند

«حق نویس»



اینکه نقاب «جهاد» در چهره داشتند بیشتر به خُم فضیحت و رسوائی آلوده گشت. از آنروست که در این شب و روز آنچه از قلب و زبان آنها و سخنگویان ایشان تراوش می یابد، فقط ناسنجیده گوئی است و هذیان!

چنانچه آنها از فرط در ماندگی، انگیزه بپاساختن آشوب و همبستگی خود با عناصر بدنام کمونیست را جنگ دولت با ملیشه ها! عنوان کرده و راه حل معضله کنونی را هم منوط به استعفای استاد رباني رئیس جهور قانونی کشور میدانند و میافزایند: همزمان صدراعظم نیز حاضر است از پست صدارت کنار برود! آری! بخاطر توجیه ائتلافش با کمونستها، ادعا دارد که جنگ بالای ملیشه های دوستم تحمیل شده!! و این جمله یعني آنست که ملیشه ها و یا نیروئی که دشمن کین توز دیروز وي بود، مورد یورش قرار گرفته، لذا او خواسته است خصومت های قبلي رآ یکسره فراموش کند و آنها را یارو یاور و همسنگر و برادر امروز خود سازد و از آنان بمنزله جزء اردوي خود دفاع و به انتقام از دولت اسلامی برخیزد و همزمان کمونستان جناح پرچم ر که اینجا و آنجا خزیده بودند، برای همدستي و آشوب فرا خواند و شهر ویران و ساکنین مظلوم و بیدفاع آنرا به نحوفجیع تری بخاك و خون بکشاند!!

حمایت وپشتیبانی صریح حکمتیار از ملیشه ها، که تادیروز دولت را باین عنوان مورد حمله قرار میداد و هکذا همبستگی اش با کمونستان که متأسفانه نام مبتذل و ننگین آنرا «شورای عالي هماهنگی !!» گذاشته، دال براین است که حکمتیار هیچگاهی مخالف ملحد، ملیشه، قاتل، جانی، فاسق، فاجر،

واقعیت اینست که جنگ اخیر کودتای ننگین بود که با تفاق حکمتیار، ملیشه ها، خلق، پرچم و مجددی (رهبر تنظیم منحصر به فامیل خودش) بر علیه دولت اسلامی براه افتاد و دولت وعلمای جهادی و اسلامی آنرا بغاوت و سرکشی خواندند و اعلان جهاد دادند...) با چه مجوزی و باساس کدام منطق و اصول میخواهد با کمونستان یکجا شود و شورای باصطلاح هماهنگی بسازد و یکجا و از یك سنگر با آنها بر ضد دولت اسلامی و مردم مظلوم و بیدفاع خصوصاً در این سرمای سخت و طاقت فرسای زمستان آتش بیفروزد و همزمان فریاد بر آرد که باید استاد ربانی استعفاء دهد!!!!

این بکدام منطق و معیار انطباق دارد، مشتي، ما جراجو، آشوب گر، باغی و فتنه آفرین بخواهند بر ضد دولت قانونی قیام نمایند، بغاوت بکنند و طرح کودتا بریزند، امنیت را مختل سازند و باعث آواره و در بدر شدن هزاران انسان بیگناه، کشته و مجروح شدن هزاران مظلوم و بیدفاع گردند... در پهلوی آن با دیده درآئي تام هرزه سرائی کنند و بدینترتیب بگویند:

خواست شوند؟...

این غیر ممکن است که حکمتیار و رفقاي ائتلافی اش با گرم نگهداشتن هیاهوي «استعفا، استعفا، استعفا، !!!!» بتوانند بروي بغاوت و گناه نابخشودنی و ائتلاف شرم آور شان پرده بپوشانند- آنها خوب بدانند که ریاست جمهوری حق قانونی رهبر کنونی کشور (استاد ربانی) است و استعفای وی منافي فیصله شورای اهل حل وعقد و تصویب شورای قیادي! و به عبارهء دیگر: بغاوتگران هرکز حق ندارند از رئیس جمهور قانونی تقاضای استعفا و کناره گیری کنند. این حق فقط از آن نمایندگان ملت است که ایشانرا باین سمت برگزیده و وست بیعت به ایشان داده اند و رئیس جمهور تا زمانیکه دوره، معینه، شان تکمیل نشود، این وظیفه را خواهی نه خواهی به پیش خواهند برد.

موجودیت استاد ربانی در رأس رهبري دولت اسلامی- چنانچه گفتیم قانوناً باساس انتخاب نخبگان ملت و نمایندگان کلیه ولایات شامل تنظیم ها و ملیت هاي مختلف- اعم از علماء، فضلاء، فرماندهان، متنفذین بحیث امیر توظیف یافته اند، وگزینش ایشان باین مقام نه یك امر

جدی احساس میشود، ضرورت بر قراري و اعاده صلح و ثبات در این کشور و است و تحقق این امر (که ان شاءالله در اینده پیرامون آن بحث تفصیلی خواهیم داشت) جز باموجودیت و قرار داشتن شخصیتي قوی که مسلماً باداشتن زبده ترین و قوی ترین جهات، چهره های نام آور دلسوز و صادق جهادی ... مطرح بوده و هست، امکان پذیر نخواهد بود و با عناصر ضعیف و بدون پشتوانه مردمی و نظامی به هیچوجه موفق به اداره، امور مملکت و تأمین صلح و امنیت نمیباشد. بنا براین الی تکمیل دوره ای که برای استاد تعیین شده (که بعداً مسئله برگزاری انتخابات (که جمعیت اسلامي جداً بآن تأکید میورزد) رویکارخواهد آمد و آنگاه باز همین ملت است و تعیین رهبر واقعی و دلسوز...) بودن پروفیسور ربانی به حیث رئیس جمهور دولت اسلامی و در رأس رهبري این کشور نیاز جامعه، ما و ضرورت وخواست شرائط کنونی و احترام به آرای ملت و پابندی به مقررات و قوانین اسلامی در رابطه با گزینش یك زعیم اسلامی است که بنام شورای اهل حل وعقد نامگذاری شده و انکار از این اصل نه

حکمفرما گردد.

اینکه خود حکمتیار حاضر به استعفا و کنار رفتن شده، دلیلش اینست که با منجر شدن کودتای «اسلامی - کمونستی» به ناکامی و شکست افتضاح آمیزگی در برابر متحدین و رفقای کمونستش، کم آمده و در پهلوی آن صدور فتوا هائی از سوی علمای بزرگ و منزوی و محکوم واقع شدنش از جانب تنظیم مربوط وو... ویرا مجبور ساخته تا از فرط غضب هر صبح و شام نقاره، تقاضاي استعفای ریاست جمهوری را سر دهد! باید گفت که این اصرار بي مورد به هیچوجه نمیتواند قیاس بر موقعیت مقام ریاست جمهوري کشور و موضع وي باشد، بخاطر اینکه میان انتخاب استاد ربانی به ریاست جمهوري و انتصاب وي به پست صدارت فرق فاحشي وجود دارد. چون استاد باساس تعین وخواست مردم باین مسند گزیده شده، ولي حکمتیار فقط باثر فشار و زور و استعمال سلاح های کشنده و مرگبار و پرتاب هزار ها فیر راکت و توپهاي ویرانگر، کشتن هزاران انسان بیگناه وو... بالای ملت بیچاره ما تحمیل شده و بس!

بناءً مربوط ساختن استعفای خودش (که ناشی از فرط ضعف اوست) با استعفای رئیس جمهور (که حق قانونی و شرعي او میباشد) هرگز بر بناي منطق و اصول استوار نمیباشد.

اکنونکه بیاری خداوند توانا کودتا به شکست مواجه شده و کودتاچیان بخت نگون شانرا تا هنوز با افروخته نگهداشتن آتش فتنه و بغاوت، نکوهش می کنند، چرا بجرم خود اعتراف نمیکنند تا به پای میز محاکمه کشانده شوند و بالاثر اعمالیکه که مرتکب شده اند باز خواست شوند؟...

« اکنون که از بخت بد توفیق بر اندازی دولت اسلامی رفیق مانشد، خواهی نه خواهي براي جبران فضیحت ما رئیس جمهور از حق قانونی خود صرف نظر کند !!!» آیا این مضحك نیست؟

اکنونکه بیاری خداوند توانا

تصادفی و اتفاقی بوده و نه هم بوسیله اعمال زور و اکراه و تقسیم پول- که با کمال وقاحت و بیشرمی این دروغ و افتراء را نیز بمنظور اهانت شرکت کنندگان شورای اهل حل وعقد" عنوان کردند...!-بلکه، باساس مطالعه اوضاع و رعایت واقعیتهاي

تنها جائز نیست، بلکه وقعی نگذاشتن به اراده و خواست ملت نیز میباشد.

فلهذا اصرار بیمورد حکمتیار، صبغت الله و متحدین کمونست ایشان در ارتباط با استعفاي استاد ربانی بمعنای تشبث بیجا، نه بپذیرفتن واقعیتها و ایجابات شرائط و جامعه

در این قسمت بیمورد نخواهد بود که به یکی از ایراد های دیگر گلبدین حکمتیار پاسخ مختصري ارائه شود که گاه و بیگاه از زبان او زمزمه میشود و آن عبارت از موضوع در نظر گرفتن اعلان

بقیه در صفحه (٤)

رمضان ماه تجدید پیمان باخدا(ج)

محمد رفیع «بشیر»

اینك باردیگر ماه رمضان ماه مغفرت ورحمت، ماه عزت و کرامت، ماه ضیافت خداوندی، ماه بازگشت به سوی الله، ماه دوری از شیطان و هواهای نفسانی، ماه تزکیه وصیقل از گناهان، ماه توبه و وفاداري، ماه نفرین بر همه رذایل وناپاکی ها و ماه تجدید عهد و پیمان با خدای الرحیم الرحمن فرا رسید.

ماه رمضان آمده تا مسلمانان را به بندگی خدا جل جلا له و اطاعت از فرامین آسمانی و سیرت پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم فرا خواند و آنها یرا که در دام معصیت و گناه گیر مانده و دست و پا میزنند راه نجات ورستگاري نشان داده از پریشانی و سرگردانی برهاند.

رمضان آمده تا وعده و پیمان مسلمانان را با خداوند متعال از سر تجدید نماید که بار الهی ما مسلمانان ببندگی تو ایمان و باور کامل داریم و از آنچه تو ما را از خوردن و آشامیدن آن و از آنچه تو بر فعل آن منع نموده نی اطاعت و فرمانبرداری میکنیم، بنده گانی که اینچنین در وعده خود با خدا صادق و ثابت اند خداوند دروازه های رحمت و مغفرت خود را بروي آنها مي گشاید و آنها را از فضایل و برکات این ماه مبارك مستفید میگرداند.

همانطوریکه انسان در معاملات دنیوی و کار و فعالیت روزانه با موسسات و ادارات هر شش ماه و یا یك سال مسؤل است تسویه حساب نموده و تجدید قرار داد نماید و به صاحب کار و یا آمر مربوط خود ثابت نماید که در پیمانیکه داشته وفا دار بوده و شایسته عمل نموده تا از مکافات کار انجام شده خود مستفید گردد، به همین ترتیب انسانها در بندگی خود در برابر خداوند مسئول و جواب ده بوده وحداقل سال یکبار و آنهم در ماه مبارك رمضان با روزه داري و امساك با خداوند پیمان خود را از نو تازه کند و از خطاها و گناهان خود طلب مغفرت و بخشش نماید، بدون شك کسیکه از کرده خود نادم و پشیمان است و نیت دارد به آن عمل گناه آلود نگردد خداوند غفور توبه اورا مي پذیرد بهتر است در این مورد حدیثی را که داستان توبه یك قاتل را بیان مینماید بطور مثال ذکر نماییم.

در حدیث شریف آمده شخصیکه ۹۹ نفر را به قتل رسانیده بود متوجه می شود که این عمل وی گناه وخطاست، موصوف پشیمان شده در صدد آن می شود تا توبه نماید، نزد راهبی میرود و شرح حال خود را براي وی بیان‌مینماید، شخص مورد نظر درجواب برایش میگوید کسیکه نفسی را به قتل برساند مورد بخشش نیست، قاتل پس از شنیدنً جواب نامبرده را نیز به قتل می رساند پس از مدتي خود را ملامت نموده نزد فرد دیگر یکه وی را عالمتر میداند رفته داستان خود را تشریح میکند شخص دومی قاتل را به عالم دیگری که در حوالی آن محل زندگي میکرد راهنمائی میکند، قاتل بسوي محل مورد نظر حرکت میکند از قضاء قبل از رسیدن به آنجا و استغصار روح وی قبض و هلاك می شود حدیث در شرح وی مینویسد، هم ملائك رحمت وهم ملائك عذاب برای سوال وجواب او میایند هر یك از طرفین مناقشه دارند که سوال و جواب کار آنها ست، در این اثنا به اراده الهی میان ملائك فیصله بعمل میاید تا از جائیکه قاتل قبض روح گردیده بطرف محل حرکت او و جائیکه برای توبه و را هنمائی از پشیمانی میرفت اندازه گیری شود در صورتیکه به محل اولی یعني جایکه در آنجا مرتکب قتل و خطا شده نزد یك باشد کار به ملائك عذاب و اگر به جای دومی یعنی محل ! یکه برای توبه میرفت نزدیك باشد به ملائك رحمت وا گذار گردد در شرح حدیث آمده به دستور خداوند زمین بطرفیکه موصوف برای توبه درحرکت بود کشانده می شود و آن فاصله نزدیکتر از فاصله ایست که میت در آن جا مرتکب قتل و گناه شده و سر انجام کار به ملائك رحمت سپرده می شود به روایت دیگر فاصله میان راه ملائك رحمت و عذاب اندازه گری میشود.

این داستان عمق اهمیت توبه و ندامت از گناه را نشان میدهد، با وجود آنکه شخص گناه کار به جایگاه موردنظر نرسید ولی نیت و اراده او برای بازگشت ازگناه و رجوع به توبه مورد قبول واقع گردید.

> **با شرح حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم از اهیمت و ارزش توبه آگاه شدیم تا دیر نشده واجل فرصت توبه را از ما نگرفته به خدا رجوع کنیم خداوند غفور و رحیم است، زندگی موقت و زرق و برق دنیا برای همین جاست و بس.**

حال که با شرح این حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم از اهیمت و ارزش توبه آگاه شدیم تا دیر نشده واجل فرصت توبه را از ما نگرفته به خدا رجوع کنیم خداوند غفور و رحیم است، زندگی موقت و زرق و برق دنیا براي همین جاست و بس.

ماه رمضان فرصت خوب و چانس طلائی است که باید از فیوضات آن استفاده کرد تنها امساك (نخوردن و ننوشیدن) اقتضای رمضان نیست بلکه روزه دار باید امساك و دوری از منکرات، خبائث و رذایل را در تمام حالات مراعات نماید ، بر نفس اماره با لسوء لعنت و نفرین بفرستد و از هواها و هوسهای شیطانی که انسان را به سوي گناه و معصیت راهنمائی میکند پرهیز نماید.

انتظار میرفت امسال ماه مبارك رمضان درافغانستان اسلامی با صلح و اخوت و شکر انگی دومین سال پیروزي مجاهدین و تشکیل حکومت اسلامی با دعا و تضرع به درگاه الهی و طلب مغفرت به روان پاك شهدای جهاد و دلجوئی از باز ماندگان آنها استقبال میگردید ولي متأسفانه کمونیست های فتنه گر و کفر جهانی با ایجاد آشوب و جنگ وخونریزی در کابل صلح و سلم را که اقتضای رمضان است با بم و راکت بر هم زدند و در زمستان سخت و سرد مسلمانان را بی خانه و کاشانه ساخته به خاك وخون کشیدند.

بمناسبت خروج قشون سرخ از افغانستان ۲٦ دلو ۱۳٦۷هـ.ش. - ۱۵ فبروری ۱۹۸۹م

از تجاوز تا فرار

در ماه جدی ۱۳۵۸ چکمه پوشان تا دندان مسلح اتحاد شوروی سابق با عبور از سرحدات افغانستان از زمین، هوا و دریا به قصد اشغال کشور اسلامی افغانستان که در همسایگی امپراطوری شوروی قرار داشت وارد کشور ما گردیده حفیظ الله امین یکی از مهره هاي سرشناس کمونستی را که تادم مرگ داد از اعمال سوسیالزم میزد سرنگون و چهره بدنام و وطنفروش (ببرك کارمل) را که از قبل در شوروی سابق تحت تربیه قرار داده بودند به ار یکه قدرت نصب نمودند.

در ابتدای تجاوز اردوي سرخ که از هیبت و قوت نظامی خوفناك برخوردار بود اکثر تحلیل گران را عقیده بر آن بود که افغانستان به کام روسها سقوط کرد و هر گونه مقاومت در برابر آنها بی فایده و دور از تصور میباشد. به همین دلیل در ماه های اول لشکر کشی روسها به افغانستان اکثر کشور های دنیا افغانستان را به باد فراموشی سپردند.

در واقع و مطابق محاسبات و تحلیل هاي مادی گرایانه حدس و پیش بینی آنها با شناختنی که از افکار توسعه طلبانه و تکتیك اشغال کشورها در گذشته توسط روسها مانند کشور های اسیای میانه و اروپای شرقي داشتند پیش بینی درست و قبول شده بود، ولی بزودي واضیح گردید که بنیاد تحلیل هاي مادي پوچ و بی اساس بوده و نمی شود تمام مسایل را بر مبناي آن سنجید زیرا بالاتر از افکار مادي و سنجش هاي تجربي نیرو و قوت دیگري وجود دارد که شناخت آن ، توسط وسائل امروزی قابل تشخیص نیست.

برداشتن علم جهاد و اتکا به نیروی ایمان بزودی قوتی را بسیج نمود که اردوي و حشتناك سرخ وهم پیمانان آنها با تمام ساز و برگ نظامی و جاسوسی خود از سرکوب و شکستن آن عاجز آمدند و در جریان سیزده سال چنان زخمهاي برداشتند که بالاخره به گفته گورباچف رئیس جمهور ورهبر حزب کمونیست شوروی سابق به زخم ناسور تبدیل شد.

عساکر روسي در زمان حضور شان در افغانستان از هیچ جنایتی علیه ملت مجاهد و مظلوم افغانستان دریغ نورزیدند، استعمال سلاحهای کشنده و مخرب، استفاده از گاز های کیمیاوی و مکروبي ، کشتار دسته جمعی تخریب منازل و ابادی ها، زنده سوزاندن و دستگیری و زندانی ساختن ده ها هزار مسلمان را میتوان به عنوان گوشه ای از جنایات آنها نامبرد و ... ولي با تمام این وحشت و جنایت هرگز قادر نشدند ملت افغانستانن را منقاد سازند و به هدفیکه لشکر کشی نموده بودند دست یابند.

سر انجام ادامه جهاد و مقاومت علیه عساکر بیگانه و مزدوران فروخته شده شان به اعتبار و حیثیت سیاسي، اقتصادی و نظامی روسها شدیداً صدمه رسانده آسیب وارد کرد. دولت شوروي سابق بارها مورد ملامت و مذمت وجامع بین المللی قرار گرفت، مردم شوروی و روشنفکران جامعه روس جرئت یافتند صداي اعتراض شانرا علیه حکام خود کامه و دیکتاتور کمونستی که چند دهه بر آنها ظلم وستم روا داشته بود بلند نماید بطور نمونه از حقوق دان مشهور روسی سخاروف میتوان نام برد که باوجود تبعید او وهمفکرانش به گورکی نتوانستند از موج اعتراض اقشار مختلف در روسیه جلوگری نمایند .

جهاد افغانستان روحیه آزادی خواهی و حرکت های اسلامی در کشور هاي اسیای میانه را روح تازه بخشیده طوفانی ساخت (چنانچه امروز اثر آنرا به خوبي در کشورها آسیای میانه از تاجکستان تا ازربایجان مشاهده میکنیم) آنچه ازهمه مهمتر در نتیجه جهاد وقربانی مجاهدان افغان مایه گرفت انقلاب بزرگ از هم پاشی امپراطوری ۷۵ ساله کمونستی اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروي!! است، این انفجار عظیم نه تنها بنیادهای سیاسی و اقتصادی شوروی را از هم پاشید بلکه بنیاد فکري و ایدلوژیکی کمونیزم که محصول افکار، مارکس، انگلیس و لنین بود را نیز از اساس و بنیاد غلط ثابت ساخت و تمام آن کسانی را که سالها برآن عقیده زندگی نموده بودند و از آن دفاع میکردند شرمنده و سرافگنده نمود.

قشون شوروي بالاخره تحت فشار و ضربات خورد کنندده مجاهدین افغان شکسته و ریخته و خجالت زده و شرمنده در پانزده فبروري سال (۱۹۸۹) در حالی از افغانستان فرار نمودند که مصیبت های فراونی از خود براي ملت افغانستان بجا گذاشتند، اقتصاد در حال مرگ، تعلم و تربیه بمیار و میادین وسیع مین، که به گفته خود آنها چندین سال پس از روسها نیز با مردم افغانستان مي جنگید عساکر روسی در نتیجه مقاومت شجاعانه ملت افغانستان و استمرار جهاد مجبور به فرار از افغانستان گردیدند و آخرین دسته از قشون آنها پس از کشته شدن پانزده هزار تن و زخمی شدن بیش از چهارونیم هزار و اسارت زیاد تر از سه صد نفر (طبق آمار داده شده توسط جنرال گروموف که خروج عساکر روسي را نظارت میکرد و توسط منابع غربي تأیید گرددیده) در پانزده هم فبروري سال ۱۹۹۸خاك افغانستان را ترك نموده و پیام شکست و ناکامی ارتش سرخ را باخود به ارمغانبردند. لازم به یاد آوریست که یك قرن قبل تجاوز گران برتیانوي نیز مانند متجاوزین روسي پس از هلاکت هزاران تن آنها در افغانستان فقط با فرار جنرال برایدن که شدید زخمی بود همچون پیامي را به استعمارگران انگلیس رساند.

روژه؛ د انسان جوړوني مکتب

روژه داسلام د«انسان جوړوونکی» دین له پنځو بناوو یوه بنا ده، او د رمضان د میاشتی روژه نیول پر مسلمانانو فرض ده.

«ای مومنانو! روژه پر تاسی فرض کړی شوي لکه چي له، تاسی نه د وړو مېنبو پیغمبرانو په لار و یانو چی فرض کړای شوی ده له دی نه دا هیله ده چی په تاسی کښی د پرهیرگاری صفت پیدا شی. »

بقره -۱۸۳

په اسلام کښی روژه نیول له جسمانی شهواتو ځان ساتنه ده، چی هره ورځ د سهار له شرعی وخته تر مابنامه پوری دا عمل دوام مومی

د رمضان قمری میاشت په هرو ۳۶ کلونو کښی د کال په څلورو فصلونو (پسرلی، اوړی، منی، ژمی) کښی راځی.

دلته مونږ «روژه» د دری اړخونو له پلوه ترغور لاندی نیسو.

(الف) ټولنیزی گټې:

روژه د انسان جسم او روح له لوږی او سختی سره بلدوی، چی په دی توگه د بي وزلیو له حالاتو خبر شی.

اسلام د بشری پرگنو دین دي، په یوی خاصی ډلی،طبقی، تبر او او نژاد پوری اړه نه لری؛ خو د ټولنو د بي وزلیو، محرومو او مستضعفینو د حقوقو په ځای کولو ته ځانگړی پاملرنه لری، چی په دی باب په قرآن مجید اوسنت النبوی کښی لازمي لارښوونی ښودل شوی دی؛ نو اسلام ددي له امله، چی مجاهد مسلمان له ټولني نه د فقر او د فقر د عواملو له مینځه وړو پر روحیه سمبال و روزی روژه نیول یی ورباندی فرض کړی؛ نو ځکه په حقیقت کښی روژه نیول یو «انقلابی عمل» دی، چی مسلمان د ټولنی د « زور، زراو تزویر» د خاوندانو په مقابل کښی له خپلو هم لیکو سره یوځای یو ډول احساس او دریځ په ډاگه اعلانوی.

نو مونږ چی روژه د ټولنیز و

اړخونو په اړه څیړو، نو باید په ټولنه کښی ئي د استضعاف (هر هغه څه، چی د انسان او بشري ټولنی د ضعیفو الی باعث گرځی) د بشپړ له مینځه وړو دلازمي وسیلی په توگه تر غور لاندی ونیسو او دا فردی انقلابی عمل د گردی ټولنی د سمون او اصلاح له، پاره مناسبه وسیله وگڼل شی.

روژه په مسلمان کښې د خواخوږی او ترحم حس را ژوندي کوی، چی په گرده نړی کښې د لوږی د له مینځه وړو له پاره «

نقلابی پوتنسیال» ولری.

او د اسلام له استراتیژیکو اهدافو یو دا هم دی، چی په نړی کښی د «قسط» پر بنیاد عدالت ټینگ کړی؛ نو که مونږ روژه د همدی هدف په اړه تر غور لاندی ونیسو، نو هغه د ننني عوامل، چی د اسلامی تشکیلاتو لارویان همدی هدف ته رسولانی شی روژه ده.

«ب» صحی گټې:

په نهء خوړو کښې د هاضمی سیستم استراحت کوی، چی په دې توگه بدن تندرسته کیږی؛ نوځکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ویلی! «صوموا تصحوا= روژه ونیسی، چی صحت ومومی». تر څه له پاسه «۱٤» پېړیو وروسته بشری پوهی او علم ته جوته شوی، چی روژه پر بدن او همدارنگه د ډول ډول جسمی ناروغیو په رغولو کښی حیرانوونکی ونده لري، چي دادی مونږ. دلته د څو مشهورو داکترانو اعتراف ته په لنډ ډول اشاره کوو.

داکتر الکسیس کارل (چی د رگونو په پیوند کښې ئی د نوبل

جائزه اخیستی او هم ئی د «دعا» یو کتاب لیکلی) وایی:

د روژتی انسان په ځیگر کښې دوبنی قند را لوېږی تر پوټکی لاندي وازدي او د عضلاتو او غدو پروتین ئي مصرفیږی او د ځیگر سلولونه ئی ازادیږی همدارنگه زیاتوی:

«ټولو ادیانو پر روژی نیوو ټینگار کړي، په روژه کښې لومړی لوږه او کله یو ډول عصبی تحریک او بیا ضعف احسلسیږی، خوپهء عین حال کښې یو ډول پټ کیفت

●الله تعالی د خپل گوند «حزب الله» د غړیو د ځان جوړونی، د ایمان د پیاوړتیا او ځواکمنی لهٔ باره ځانگړي تشکیلاتی برنامی لری، چې یوه یې هم د هغه په کور «جومات» کښې څو ورځی پر لهٔ پسی پاتی کیدل دی.

(چی خورا مهم دی) په فعالیت پیل کوي او بالاخره د بدن ټول غړی د دننني محیط او زړهٔ د تعادل ساتلو له پاره خپله ذخیره میدان ته را وباسی او په دی توگه روژه د بدن د ټولو غړیو د مینځلو

سبب گرځی.

فرانسوی داکتر «کویل پا» وائی: —

په کولمو کښې د غذا د تخمیر

له، وجهی له، پنځو نه څلورناروغی پیدا کیږی، چې بیا دا ټولی په روژی نیوو رغیږی. »

داکتر « تومانیانس» د روژی د گټو په باب وائی:

«... روژه د تندرستی او ښه صحت له، پاره غوره لاره چاره ده، چی په دي باب ئې د زاړه او نوي طب پام را اړولی.

هغه ناروغی، چی د هاضمی په تیره بیا د پښتورگیو او ځیگر د خرابی باعث گرځی؛ نو په درملو چی نهٔ رغیږی، پهٔ روژی سره رغیدای شی.

همدارنگه د هاضمی خرابوالي په روژی سره له مینځه ځی.

ځیگر د زیات فعالیت له امله ستړی کیږی او له وینی صفرا نهٔ شی اخېستی؛ نو ځیگر په یو خاصی ناروغی اخته کیږی، چی دا ناروغی د روژی نیولو له لاری رغیدای شی»

«ج» اعتکاف یا تشکیلاتی ځان جوړونه:

ژباړه: له هغه وروسته د اهر څه پریږدي د شپی پوري خپله روژه بشپړه کړی او کله، چی تاسی په جوماتونو کښی ځیله یاست، نو له خپلو میرمنو سره نژدی والی مه، کوي داد الله وضع کړی حدود دی دیته نږدی مه، ورځی. دغه شان الله خپل حکمونه خلکو ته په ډاگه

څرگندوی ښائی، چی هغوي له، ناوړه چلند نه ځانونه وژغوری»

بقره – ۱۸۷ آیت

اعتکاف له «عکف» نه اخستل

شوی او یو څه ته د تعظیم او احترام له امله مخ اړول او ورسره یوځای کیدوته وایی او په شریعت کښی «اعتکاف» دی ته وایی، چې مسلمان الله تعالی ته د تقرب او نژدی والي په نیت په جومات کښې پاتی شی یا په بله وینا « د تعبد او بندگی په نیت په جومات کښې پاتی کیدوته اعتکاف وائي»

الله تعالی د خپل گوند «حزب الله» د غړیو د ځان جوړونی، د ایمان د پیاوړتیا او ځواکمنی له پاره ځانگړي تشکیلاتی برنامی لری، چې یوه یې هم د هغه په کور «جومات» کښې څو ورځی پر له پسی پاتی کیدل دی.

اعتکاف د ځان جوړونی لنډه برنامه ده، چې مسلمان څو ورځی په جومات کښې لمونځونه ادا کوی او روژی نیسی، له خپلی میرمنی سره له یو ځایوالی، د عطرو له استعماله، د دنیاوی راکړی ورکړی، ځامنی، شخړو او لانجو او همدارنگه حرامو کارونو نه لری وی، چی په حقیقت کښې اعتکاف د حج د برنامو یوه برخه هم ده، پهٔ حج کښې انسان خپل ځان او تاریخ پیژني، خپل فطری موجودیت ته رجوع کوی او ټولو هغه مادي عواملو ته شا کوی، چې انسان یې لهٔ خپل فطری بهیر ځنې کوږ کړی وی او پهٔ حقیقت کښې اعتکاف هم د همدغسی روزنی لهٔ پاره لازم محیط دی؛ نو پهٔ رښتیا، چې حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ویلی:

« د رمضان د میاشتی د وروستیو لسو ورځو اعتکاف لهٔ دوو حجونو او دوو عمرو سره برابر دی. »

دبشریت ستر لارښود پیغمبر «صلی الله علیه وسلم» به هر کال د رمضان پهٔ وروستي لسیزه کښې اعتکاف کاوه، خو یوځل تري د بدر د غزا لهٔ امله پاتی شوي وه؛ خو بل کال یې د هغه د جبران لهٔ پاره شل ورځی اعتکاف وکړ.

مونږ چې ځان د آنحضرت صلي الله علیه وسلم لارویان بولو؛ نو باید پهٔ خپلو « اسلامی تشکیلاتو» کښې د ځان جوړونی او ایمانی ځواکمنی د لاپیاوړتیا له، پاره د اعتکاف لهٔ پامه ونهٔ باسو.

سلام د بشری پرگنو دین دي، پهٔ یوی خاصی ډلی،طبقی، تبر او او نژاد پوری اړه نهٔ لری؛ خو د ټولنو د بي وزلیو، محرومو او مستضعفینو د حقوقو پهٔ ځای کولو ته ځانگړی پاملرنه لری، چې پهٔ دې باب پهٔ قرآن مجید اوسنت النبوی کښې لازمي لارښووني ښودل شوی دی؛ نو اسلام ددې لهٔ امله، چې مجاهد مسلمان لهٔ ټولني نه د فقر او د فقر د عواملو لهٔ مینځه وړو پر روحیه سمبال و روزی روژه نیول یې وربادی فرض کړی؛ نو ځکه پهٔ حقیقت کښې روژه نیول یو «انقلابی عمل» دی، چې مسلمان د ټولنی د « زور، زراو تزویر» د خاوندانو پهٔ مقابل کښې لهٔ خپلو هم لیکو سره یوځای یو ډول احساس او دریځ پهٔ ډاگه اعلانوی.

شکست طلسم افسانوی دوستم!

● دوستم دیگر نه تنها نزد اربابان خارجی خود شرمنده و روسیاه گردیدو نقاب از چهره کاذب آن افتاد، بلکه اطرافیان وحامیان کمونیست آن نیز اکنون با تمسخر به این پوقانه میان تهی نگاه میکنند.

● با ناکامي کودتای اخیر و توطیه خائنانه کمونستها علیه دولت ثابت گردید که:

هیچ نوع اتحاد نظامی قادر نیست دولت اسلامی را صدمه زند

زمانیکه رژیم کمونیستی نجیب توسط مجاهدین سقوط کرد و مجاهدین زمام امور را بدست گرفتند دولت اسلامی برای خاتمه بخشیدن به خونریزی در کشور نه تنها عفو عمومی را اعلام داشت بلکه آنانی را که با ندامت از اشتباهات گذشته خویش، اماده گی خود را براي همکاری با دولت اسلامی، اعلام داشتند، فرصت داد که یکبار دیگر خود را در بوته آزمایش قرار دهند تا بدین ترتیب برای همه افراد، اقشار و ملیت هاي ساکن در کشور حق سهمگیری در اعمار مجدد و اعتلای افغانستان در پرتو احکام شریعت اسلام و قوانین دولت اسلامی مهیا گردد.

اما عده ای از بقایاي رژیم کمونیست گذشته، تحت رهبری روسیاهترین فرد تاریخ افغانستان، ببرك كارمل، با استفاده از این فرصت و با سود جویی از شخصیت ظالم ، بي سواد و وحشی صفت رشید دوستم، به ایجاد نهادی زیر نام به اصطلاح جنبش ملی اقدام نمودند تا بدین گونه نه تنها به تضعیف پایه های دولت اسلامي بپردازند بلکه از این طریق به خواب کاذب خویش مبنی بر ستراتیژی رسیدن مجدد به قدرت سیاسی دست یابند.

کمونیست های کارملی، طرق مختلف تبلیغات رابکار گرفتند تا از دوستم، که یك فرد بی سواد، دایم الخمر، فاقد اراده و عیاش است، یك رهبر نظامی وسیاسی درست کنند و آنرا مخصوصاً از لحاظ داشتن قدرت نظامی به حیث یك نیروی افسانوی افاده بدهند. در داخل با استفاده از وحشیگری ها، چور و چپاول، بیرحمی و قساوت ملیشه های دوستم که در جریان جنگ ١٤ ساله، به آن معروف بودند، بازهم تلاش کردند تا با بکارگیری این شیوه از این نیرو های وحشی صفت، یك هیولای ترسناك در میان مردم ترسیم نمایند در خارج از کشور، نیز سعی نمودند با ترسیم اینکه دوستم، با داشتن یك نیروی منظم عسکری، اسلحه زمینی و هوایی مدرن و نفوذ بر چندین ولایت می تواند به حیث یك قدرت نظامی مطرح باشد، توجه برخی از کشور های منطقه را جلب نموده و حمایت های سیاسی و مالي انانرا بدست آورند. چنان که این تبلیغات کاذب آنها تا حدی کارگر افتاد و دوستم به حیث یك قدرت افسانوی مورد توجه برخی از کشورهای حتی ممالك اسلامی قرار گرفت.

حکمتیار که از دوسال قبل همایون جریر را به حیث نماینده دایمی خود در آستان دوستم در مزار شریف توظیف نموده بود تا این اسپ سرکش (دوستم) را رام نماید که بعد از یك مدت به این امر توفیق یافت طوریکه سرانجام در ملاقاتی که میان همایون جریر و نماینده دوستم عبدالمالك در باکو مرکز جمهوری آذربائیجان صورت گرفت، توافق بعمل آمد. جزئیات کودتا چنین صراحت داشت که در جریان دو ساعت دولت اسلامی با عملیات مشترك و برق آسای ملیشه های دوستم و نیروهای حکمتیار از پا در می آید و همزمان با آن صبغت الله خان مجددی به حیث رئیس جمهور، حکمتیار به حیث معاون رئیس جمهور و صدر اعظم، و دوستم ملحد به حیث وزیر دفاع اعلام میگردند. و از لحاظ تشکیلات سیاسی افغانستان به حیث دولت فدرالی در می آید.

دوساعتی را که کودتاچیان برآی دست یافتن به پیروزی در نظر گرفته بودند اکنون به پنجاهمین روز خود نزدیك می شود هر چند اقدام خائنانه کودتاچیان با عث گردید تا خسارات جبران ناپذیر مالی و جانی بر کابل وشهروندان مسلمان و مومن آن وارد گردد و هزاران هموطن ما را به ترك خانه و شهر شان وا دار سازد اما پیامد های شکست این کودتا از لحاظ نظامی و سیاسی بسیار جدی و پیروزی بزرك است برای دولت اسلامی افغانستان.

اولین دستاورد بزرگ شکست این کودتا آنست که طلسم افسانوی دوستم را از هم پاشید. دوستم دیگر نه تنها نزد اربابان خارجی خود شرمنده و روسیاه گردید و نقاب از چهره کاذب آن افتاد بلکه اطرافیان وحامیان کمونیست وی نیز اکنون با تمسخر با این پوقانه میان تهی نگاه میکنند.

و اعلام جهاد توسط محترم استاد ربانی رئیس جمهور و اولوالامر افغانستان که با حمایت اکثر تنظیم های جهادی مواجه شد، میرساند که بزودی، گلم «گلم جم» در افغانستان برچیده خواهد شد و این عناصر وحشی و نمك حرام که کاملاً در مغایرت با رسوم عنعنات ملیت برادر و مسلمان ازیك عمل نموده اند، بزودی برچیده خواهدشد.

باناکامی کودتای ملیشه ها ثابت گردید که هیج نوع اتحاد نظامی قادر نیست، دولت اسلامی را صدمه زند، دولت قادر است با تمام نیرو با توکل برخداوند «ج» از ارزشهای اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی افغانستان دفاع کند، و اجازه ندهد تا نیروهای آشوبگر و باغی با اراده و سرنوشت ملت بازی نمایند. دولت اسلامی افغانستان و زعامت کنونی آن که در نتیجه انتخاب نماینده گان ملت مجاهد و مسلمان افغانستان برای مدت معین برگزیده شده است با احترام به اراده مردم، حاضر است با تکمیل دوره معینه دوباره به ارای مردم مراجعه نماید واجازه نمیدهدتاحق مردم درتعیین زعامت سیاسی شان سلب گردد.

ائتلاف حکمتیار با دوستم که از دوسال با اینطرف به بهانه تأکید برخروج ملیشه های «وحشی» خون آشام، کمونیست وغیره» کابل را به ویرانه بدل ساخت، و هزاران زن، مرد و کودك را به شهادت رسانید، کاملاً ثابت نمود که اکنون نیز نامبرده برای رسیدن به قدرت، از هیچ نوع کاری روگردان نیست.

بدون شك، مجاهدین، قوماندانان آگاه و اعضای رهبری حزب اسلامی با توجه به عملکرد های منفردانه و مغایر با اراره اکثریت و نقش حکمتیار در انکشافات اخیر، در مورد سرنوشت حزب وتعین زعامت آینده آن تصمیم خواهند گرفت.

صدر اعظم حق ندارد از رئیس جمهور قانونی ...

عفو عمومي شورای رهبري در مورد افراد رژیم گذشته است.

هرگاه حکمتیار به بودن تعدادی از افراد ادارات رژیم قبلی، طوریکه گفته آمد، بتأسی از عفو عمومي اعلان شده از سوی شورای قیادی در کابل بسر می بردند، اعتراضی داشت وبادعایش صادق بود، در حالیکه بودن آنها درکابل به هیچ صورتي به مفهوم ائتلاف دولت با آنها نیست بلکه آنها تاحال بخاطر حفظ جان شان خود را در پناه دولت قرار داده بودند...، حکمتیار باید براي خود این حق را نمي داد تا با سرسخت ترین دشمنان اسلام جبهه ائتلافي ضد دولت اسلامي بنام شوراي عالی هم آهنگي!! تشکیل دهد، بلکه همزمان با اعلان جهاد، مردانه برضد ملحدین می ایستاد وبدولت اسلامی پیام میفرستاد که خواست و آرزویش با این فراخواني دولت بر ضد کفار بر آورده شده و بلا درنگ با دشمنان اسلام چون: تنی، وطنجار، گلاب زوی، منوکی منگل، «قاتل انجنیر صاحب حبیب الرحمن شهید،» جبار ملیشه وسائر قاتلین ملت مجاهد را ازپیش خود دور وبرائت خود را در برابر آنان ابراز می داشت.

وسلاحهای دست داشته اش را به جاي کشتار و از بین بردن مردم بیگناه، ویران ساختن منازل وسرپناه هاي محقر ایشان... جانب عناصری که بر ضد آنها جهاد اعلان شده توجیه مینمود و باسر فرازي در این جهاد مقدس سهیم وپیشتاز مي شد، تا بدینوسیله کلیه دفاتر، وزارت خانه ها وسائر ادارات از وجود آنهائي که تا هنوز بصورت کامل، تصفیه نشده اند، پاکسازی و داغ ولکه ننگي که متأسفانه بالاثر عملکرد های او و نزدیکانش بر دامان جهاد ومجاهدین نشسته بود ، پاك میشد. یقیناً این اقدام باعث سربلندی وی وهمه آنهائی میشد که بیشتر از چهارده سال در برابر دشمنان اسلام جنگ دند، وشهادت دادند، وبیش ز یك ونیم ملیون انسان را به قربانگاه فرستادند تا در سایه حکومت اسلامي آبرومندانه زندگي کنند... اگراین کار را به هر دلیلی که نزد خود داشت نمي توانست انجام دهد، حالت امروزه را پیش بین می بود، حد اقل در مقابل این قضیه با ملیشه هاوخلق وپرچم متحد وهم آهنگ نمیگردید، صرف موقف بیطرفي را اختیار مي کرد و این موضوع نیز تاحدی سبب مي شد تا ازمیزان منزوي وتجرید شدن بیشترش از ملت بکاهد واسباب کنار رفتن نزدیکترین دوستان و بریدن بلند پایگان حزب مربوطش، منجمله محترم قاضی صاحب محمد امین وقاد معاون آن حزب، اکثریت اعضای شورای اجرائیه وتعداد زیادی از فرماندهانش... را فراهم نسازد وفتوی های متعددی علیه او بخاطر بغاوت وسرکشی اش دربرابر نظام قانونی ودولت اسلامي و اولی الامرش صادر نگردد.

فاعتبروا یا اولی‌الابصار

المجتمع مجله، عربی زبان چاپ کویت درشماره ۱۰۸۶ خود با هریك گلبدین حکمتیار ومحترم استاد ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان پیرامون اوضاع جاری کشور مصاحبه‌ای را انجام داده است که فتح نظر به اهمیت موضوع ترجمه آنرا تقدیم خوانندگان گرامی خویش مینماید. باید تذکر داد که با رعایت ترتیب المجتمع اولاً درین شماره به نشر مصاحبه حکمتیار می پردازیم و درشماره آینده انشا الله مصاحبه استاد را خواهید خواند.

حکمتیار: کمونستها کابل را هدف بمباردمان قرار میدهند

پس از آنکه حکمتیار در سال ۱۹۷٦ با برهان الدین ربانی اختلاف پیدا کرد و عضویت جمعیت اسلامی افغانستان را ترك گفت در آن اثنا حزب اسلامی افغانستان را تشکیل داد و روابط هردو به سردي گرائید و اعتماد از میان ایشان رخت بر بست بخصوص بعد از آنکه رباني حکمتیار را متهم نمود که چندین بار قصد تروراو را نموده است تیرگی شان بیشتر شد. اماپس از سال ۱۹۷۸ که روابط میان حکمتیار و مسعود که بارز ترین فرمانده وفادار برهان الدین رباني بحساب میاید، تیره شد. حکتیار بهانه، را که جهت ترور مسعود در پشاور تدارك دیده بود بی نتیجه ماند. مسعود بعداً داخل افغانستان رفت و از آن به بعد همه عمر خود را براي جهاد در سنگر سپری نمود و به پاکستان بجز یکبار و آنهم بدعوت حکوت پاکستان سفر نکرد، سفر مذکور در سال ۱۹۹۲ یعنی پیشتر از فروپاشی رژیم کمونستي در کابل صورت گرفت نامرده هنگامي که از پاکستان بداخل افغانستان برگشت جنگها را علیه دولت کمونستي رهبری نمود در نتیجه نیروهایش بر نیروهاي نظام کمونستی چهره شده مجاهدین به تعقیب فروپاشی نظام کمونستی در برج اپریل ۱۹۹۲ وارد کابل شدند. با آنکه مخالفت و درگیري ها میان نیروهای حکمتیار از یك طرف و نیروهای وفادار رباني و مسعود از طرف دیگر در تمام سالهای جهاد جریان داشت اما موضعگري های سراسری میان طرفهای درگیر در برج اگست سال ۱۹۹۲ اغاز یافت. درست این درگیری زمانی بر افروخته شد که حکمتیار حملات موشکی را بر شهر کابل بمرحله اجرا گذاشت و قسمت اعظمی این شهر را به بهانه حضور نیروهاي جنرال عبدالرشید دوستم، که آنها را مانده های نیروهای کمونستي وهمکار رژیم کمونستي سابق میخواند تخریب و به کلی به خاك مبدل ساخت. بس از آنکه هیئت هاي صلح از جهات مختلف شتافتند، آتش بر افروخته توسط حکمتیار فروکش کرد و هردو جناح درگیر بعدم از سرگیری جنگ قول دادند که در نتیجه حکمتیار بحیث نخست وزیر کشور تعیین شد وی این پست رابشرطی قبول نمود که رقیب اصلی اش فرمانده احمدشا مسعود از سمت وزارت دفاع کشور بیرون رود. ربانی در اثر فشار هاي زیاد فرمانده مسعود رابه کناره گیری اش از وازرت دفاع متقاعد ساخت ولي حکمتیار باوجود کنار رفتن رقیبش از سمت وزارت دفاع نتوانست وارد کابل شود، زیرا که نیروهای احمد شاه مسعود بر اکثر نقاط شهر کابل تسلط داشتند.

امنیت به حد اعظم شهر کابل حکمفرماشد و مردم توانستند در اثر ایجاد امنیت نسبی نفس راحت بکشند و دیري نیائید که این شهر درآتش جنگ بزرگتر و خانمانسوز تري فرو رفت و بیکماه پیش این درگیری ویرانگر آغاز یافت اما سیاستي جنگ تغیر یافته بود اینبار استراتیژی جنگ معکوس قرار گرفت و حکمتیار به جنرال دوست قول إئتلاف و دوستي سپرده و علیه نیروهاي و فادار به ربانی که احمد شاه مسعود در رأس آن قرار دارد جنگ را آغاز نمود.

ویرانی شهر کابل و کشتار مردم آن بشکل بي سابقه ای شروع شد طیارات جنرال دوستم و آتش توپخانه وراکت حکمتیار در تخریب و ویرانی شهر کابل و کشتار مردم آن شهر یکي از دیگری پیشی گرفتند که در پی آن آقای حکمتسار ائتلافی را بنام « شوراي عالی هماهنگی انقلاب اسلامی» تشکیل نمود. این شوری مخالفین ربانی را در یك محور جمع نمود.

بمناسبت جنگ اخیر که میان نیروهای دولت برهان الدین ربانی و نیروهای ائتلافي حکمتیار به وقوع پیوست و برهان الدین ربانی جهاد را علیه نیروهاي کمونست و ملیشه هاي دوستم اعلام داشت در حالیکه حکمتیار با ایشان قول دوستی و ائتلاف داده بود در ذهنیت بسیاري مردم که در خارج قرار دارند تشویش و اضطراب ایجاد شد و قضیه برایشان گنگ و مجهول مینمود. آنها طوری می اندیشیدند که این جنگ در واقع در داخل خود مجاهدین است وبس. جهت پرده برداری از روي حقایق مجله المجتمع بر آن شد تا قضیه را درست و حسابي بررسی کند و حوادث را موشکافی نماید و دیدگان علاقمندان وخوانندگان را با چهره، حقایق آشنا سازد بدین ملحوظ تلاش نمودیم تا صورت واقعی این جنگ را که از زبان هردو رقیب شنیده ایم بر نمایش گذاریم تاابهام و شبهات موجود را که بر سایر مسایل نشراتی تبلیغاتی سایه افگنده، زایل سازیم.

بسا از خوانندگان این مجله در جنوري سال ۱۹۹۳بعلت نشر مصاحبه پروفیسور سیاف شماره ۱۰۳۵ المجتمع باراني از خشم و شکایت را بر سرمان ریختند زیرا درمصاحبه مذکورپروفیسور سیاف حکمتیار را متهم کرده بود که بخاطر رسیدن بقدرت با نیروهای شیعه و ملیشه هاي دوستم ائتلاف نموده است. باردیگر براي خوانندگان محترم تأکید میداریم که سیاف خود مسئول اظهارات خویش بود و ما تنها بموجب اینکه او را مردی آگاه و خبیر به قضایا شناسیم مصاحبه اش را بي کم و کاست به نشر سپردیم. و در همان وقت با آقای حکمتیار ارتباط گرفتیم و سوالها مان هم بدسترس وی قرار گرفت ولی بی پاسخ ماند. حالا خواستیم که حقایق قضیه را در این شماره جهت آگاهی خوانندگان مجله به نشر بسپاریم و تلاش نمودیم که حقایق را از زبان خود آنها نقل نماییم با شخصی که مصاحبه صورت گرفته شخصاً مسئول اظهارات خودش میباشد و اداره مجله در آن هیچ نوع دخالت نمیکند چون هدفمان آن نیست که یکي از اطراف درگیر را مورد نکوهش قرار دهیم و طرف دیگر را تحسین و نوازش نمائیم بلکه هدف حقیقی تنها کشف و ابراز حقایقی است که تا هنوزمبهم وناگفته مانده است.

چونکه تلاش داشتیم تا آن سناریو را بصورت کامل نقل نمائیم و مصاحبه و گفتگوها با هردو جناح درگیر یعنی ربانی و حکمتیار صورت گیرد، در ابتدا موفق شدیم که تنها با حکمتیار ارتباط بگیریم بخاطر ارتباط با رئیس دولت انتظار بسیار بردیم بحدي که تاریخ نشر و طبع المجتمع فرا رسید، این انتظار بخاطری بود که دستگاه تلیفونی آسیب دیده است و این تماس را با وي از طریق دستگاه تلفونی عادی نی بلکه توسط دستگاه قمر مصنوعیبر قرار نمودیم و از سوي دیگر بجهت عدم امنیت در شهر کابل که همه روزه هدف بمباران نیروهاي هوائی مخالفین قرار میگرد و رئیس دولت مکان مخصوصی ندارد نتوانستیم که مصاحبه را بزودي انجام دهیم و در لحظات اخیر انتظار، بخت یاری نمود با ایشان ارتباط بر قرار رشد و مصاحبه اي را با او نیز تهیه نمودیم.

بدلیل اینکه گفتگو را نخست با حکمتیار بعمل آورده بودیم لذا اظهارات ویرا پیش از مصاحبه استاد ربانی نشر میکنیم.

حکمتیار: میخواهم که ربانی بدون قید و شرط استعفا دهد!!!

گفتگو مان با حکمتیار با شدت و لحن تندی صورت گرفت. با آنکه اولین بار با وی در سال ۱۹۸۷ شناخت پیدا کرده ومصاحبه های هم باوي نمود ه بودم وي در هیچ یکي از آن مصاحبه ها با این شدت نبود و بدنبال مصاحبه نخستین دهها مصاحبه و نشست ها باوي نمودم بعضي از آنها بگونه، شدید تري صورت مي گرفت با آنهم معلومات زیادی بدست میآوریم اما گفتگوی امروزی سخت تر از همه بود و من آرزو نداشتم ه حکمتیار گفتگویش را با چنین وضعی پایان بخشد طوریکه تلفون راقطع ساخت و در گفتگو را بست بهر حال گفتگوئی راکه انجام داد بخشي از این تراژدی را ك هملت افغانستان با آن دست و گریبان است منعکس می سازد و بنده هیچ گونه تعلیق وتبصره در آنچه که از گفتگو بدست آمده نمي کنم، مي گذارم که خرانندگان آنچه را در لابلاي حرفها مان می نگرند، با چشمان نافذ و وجدانهاي آگاه خویش حقایق را برداشت نمایند:

المجتمع: آقاي مهندس حکمتیار، همه مسلمانان دنیا پیرامون جنگهاي کابل دچار حیرت شده اند میخواهیم که چگونگی اوضاع را برایمان توضیح دهید؟

حکمتیار: چنانچه اطلاق دارید جنرالان نظام کمونستی سابق مسئول اصلی درگیریها در بیست ماه گذشته بوده اند بناءً آنها مسئول جنگهای اخیر نیز میباشند.

المجتمع: فعلاً نیروهای و فادار به شما وقوتهای مربوط به جنرال عبدالرشید دوستم کابل را مورد تهاجم و بمباردمان قرار میدهند و میگویند که بین شما و دوستم ائتلاف وجود دارد، درست است؟

حکمتیار: حقیقت موضوع آنست که جنرالهای کمونیست که در ائتلاف با جمعیت اسلامی قرار دارند کابل را هدف بمباردمان قرار میدهند. آنها بعد از آنکه در جنگ تگاب به شکست مواجه شدند خواستند که مراکز حزب را در اطراف و داخل کابل مورد تهاجم قرار دهند.

تلاش نمودند که پاي نیروهای جنرال دوستم را به نفع خود به جنگ بکشانند او که بر خواسته آنها وقعی نگذاشت میان هردو گروه برخورد صورت گرفت که در نتیجه جنگهاي اخیر به وقوع پیوست.

المجتمع: [illegible] رسانه های خبري معتمد دیگری که به نشر رسانده اند که موافقت نامه ای میان شما و جنرال دوستم به امضا رسیده است از طرف شما همکار و داماد تان همایون جریر قرار داشت که با معاون دوستم قبل از سه هفته در ازبکستان امضاء نموده بود نظر تان درین باره چیست؟

حکمتیار: برایت میگویم این محض تبلغیات است، جریر تا هنوز به ازبکستان نرفته است.

المجتمع: منابع سابق از مصادر نزدیك بخود تان نقل کرده اند که فرودگاه (سقاوه) که فعلاً در اختیار شما قرار دارد آماده شده است تا جنگنده های دوستم در پائین شدن و پرواز نمودن و یا سوخت گیری از آن استفاده نمایند، زیرا که این فرودگاه نسبت به فرودگاه اولي و اصلی دوستم در مزار شریف به کابل نزدیك تر است

حکمتیار: کسانیکه کابل را هدف بمباردکان قرار میدهند پیلوت های کمونست وفادار به مسعود و ربانی و ببرك اند. جنرلان کمونست اند که بکابل بم میریزند!!.

المجتمع: طوریکه معلوم است نیروهای ربانی و مسعود در داخل کابل قرار دارند، بس چگونه معقول خواهد بود که نیروهای مسعود و ربانی نیروهای خویش را بمباردمان نمایند؟!

حکمتیار: نیروهای ماهم در کابل قرار دارند پس، کابل را ماهم بمباردمان نمی کنیم.

المجتمع: شما در داخل کابل نیستید شما دست کم در چهل کیلو متری جنوب کابل قرار دارید.

حکمتیار: کی میگوید؟ ربانی همچنان پنجاه کیلو متر از کابل دور است، او سه هفته میشود که در خارج از کابل بسر می برد.

المجتمع: آیا جایش را میدانید؟ معلوماتی را ما بدست آورده ایم میگوید که وي در قصر ریاست جمهوری قرار داردنه در خارج از آن؟.

حکمتیار: قصر ریاست جمهوری ویرانه ای است که هیچ کسي درآن زندگی نمي کند.

امجمتع: پس قصر ریاست جمهوری را چی کسی ویرانه ساخته است؟

حکمتیار: درنتیجه درگیریهای ایکه خود آنها عامل آن اند تخریب شده است و پس ازآنکه تخریب شده ترکش نمودند.

المجمتع: بنظر شما مسئولیت ویرانی و تخریب مسجد پل خشتی که بزرگترین و تاریخی ترین مسجد کابل بود نزد خدا و مردم و تاریخ بگردن کي خواهد بود؟

حکمتیار: کمونستهای که در ائتلاف با ربانی و مسعود قرارد دارند.

المجتمع: چرا خودت علیه کمونستها با ربانی و مسعود ائتلاف نمي کنی؟

حکمتیار کسانیکه عامل ویرانی مسجد سروبی شدند و بازار سروبی، بازار تگاب و دهکده هاي تگاب و سروبی را زیر بمباردمان قرار دادند آنها مسئول بمباردمان کابل نیز هستند.

المجتمع: این پاسخ سوالم نیست. در سال ۱۹۹۲ شهر کابل را زیر آتش موشك قرار دادی آنوقت چنین استدلال میکردی که ربانی با جنرال دوستم ائتلاف کرده است و حالا خودت علیه ربانی با دوستم ائتلاف نمودی که سبب و عامل اصلی تخریب و ویراني کابل شده ای بس چرا با ربانی قول دوستی نمی دهی تا همراه با او دوستم و کمونستها را نابود سازید؟

حکمتیار: تا بحال ما مطالبه مي کنیم که تمام قوت های مسلح بایست از شهر کابل بیرون شوند و مسئولیت امنیت کابل بعهده مجاهدین قرار گیرد، و بایست تمام کمونستها از ادارات دولتی مطرود شوند ولي جانب مقابل این در خواستم را نپذیرفته اند و هیچ موافقتی نشان نداده اند.

المجتمع: ولي مبصرین سیاسی همه متفق اند که امنیت شهر کابل در تمام ماههاي گذشته در دست احمدشاه مسعود و دیگر نیروهای وفادار به رباني قرار داشته است؟

حکمتیار: چگونه؟

المجتمع: همینطور منابع مختلف خبري نقل کرده است که امنیت شهر کابل در تمام ماهها گذشته در دست نیروهای جمعیت اسلامی بوده است، بجز بعضی از مناطق. اما در تسلط کمونستها هیچ نبوده است. و مسعود تمام کمونستها را از کابل بیرون راند که بسیاري آنها تا حال با دوستم در شمال بسر می برند؟

حکمیتار: نخست باید این را بدانی که ما عامل بمباردمان کابل نیستیم بلکه کمونستهائی کابل راهدف بمباردمان قرار میدهند که با جمعیت اسلامی و شوراي نظار مسعود ائتلاف دارند، دوم کسانیکه با ائتلاف داخل کابل شدند، فعلاً ماسکو و امریکا کمك شان مي کند. ماسکو بخاطری پول افغانی را برایشان چاپ مي کنند که کمونستها درپهلویشان قرار دارند وامریکا به نفع آنها تبلیغات زهراگین وبي اساس را علیه ما براه انداخته است. آنها کابل را ویران کردند. مرام ما آنست که یك کمیته تحکیم از جانب علمای مسلمان تشکیل یابد وآن حاکمیت تمام صلاحیتها را بر دست گیرد تا آنکه تمام مشکلات وبن بست فعلی را در پرتو شریعت اسلامي حل وفصل نماید. هنگامی که جنك تگاب جریان داشت هیئتی ازعلماء نزد من آمدند وجهت حل بحران کنونی پیشهادی را مطرح نمودند که سه بند داشت: یکي تشکیل کمیته تحکیم و دوم اخراج کمونستها از ادارات دولتي وسوم بازساختن تمام راههاي مواصلاتي با پایتخت .بنده بر آن موافقت نشان دادم سپس نزد رباني ومسعود رفتند ولي آنه نپذیرفتند زیرا که آنها نمی توانند کمونستهای اطراف خود را دور سازند.

ص ۷

حکمتیار: کمونستها کابل را هدف بمباردمان قرار...

چون آنها در نتیجه، کمکهای آنها به قدرت رسیدند وتا حال تمام آن جنرالها موجود اند. ما میگوئیم که بایست کمیته تحکیمی ای تشکیل یابد تا آنکه قرار نهائی اش را جهت حل بحران جاري در پرتو شریعت اسلامي صادر نماید ولي جانب مقابل همیشه رد مي کند. ما میگوئیم که باید تمام رهبران تنظیمها با هم بنشینند یك حکومت مؤقت را تشکیل دهند که انتخابات عمومي را سر پرستي نماید ویك ارتش اسلامي قوي تشکیل یابد وتمام واحد هاي مسلح از کابل بیرون شوند وامنیت کابل بدست مجاهدین خودکابل قرار گیرد. ولی این پیشنهاد را هم رد نمودند. بسیاري فرماندهان کابل نیز پیشنهادی به همین شکل داشتند ونزد من آمدند ومن هم با ایشان توافق نمودم وقتی که نزد جانب مقابل رفتند جواب رد یافتند آنها ادعا نمودندکه تمام فرماندهانیکه این پیشنهاد را پیشکش نموده اند طرفدار حزب اسلامي هستند وهمچنان آتش بس را رد نمودند.

پس تو بگو مسؤل ویراني شهر کابل کیست؟ آیا کسي مسؤل ویرانی است که خواهان آتش بس میشود واصرار دارد که تمام سران مجاهدین با هم بنشینند که حکومت مؤقت را بسازند یا کسانیکه جنگ را برصلح اختیار میکنند وکمیته تحکیم رامردود می شمارند وبر بقای کمونستها پا فشاري میکنند، برحضور تمام نیروهاي مسلحي که سبب همه درگیریها داخل کابل شده اند اصرار میدارند؟ پس کی مسؤل ویرانی کابل است؟

المجتمع: ولي دانشمندان وعلمای افغاني قطعنامه ای را صادر نمودند که در آن تأئید خریش را از دولت استاد رباني اعلان داشتند وجهاد علیه دوستم ومتحدانش تاکید نمودند وهم چنان وزراء حکومت افغانستان که خودت درراس آن قرار داري اعلامیه ای صادر نمودندکه درآن تأئید خویش را ازدولت رباني اعلام داشتند وهمچنان چندین اعلامیه ای از وزارت خارجه افغانستان صادر شده است که به تأئید استاد رباني دلالت میکند پس نظر تو درین رابطه چیست؟

حکمتیار: همه آن تبلیغات و دروغ بافي است وتمام آن اعلامیه هابي اساس است.

المجتمع: ولي آقاي سیاف ومولوي محمد نبي محمدی ومولوی یونس خالص ایستادگی خویش را در پهلوی رباني اعلان داشتند وهم چنان علیه دوستم وهمکاران او علان جهاد نمودند؟

حکمتیار: بجز سیاف دیگر کسي نیست که رباني را تأئید نماید همه میگویند که بایست رباني استعفا دهد ورهبران همه جهت تشکیل یك حکومت مؤقت گرده هم آیند.

المجتمع: چندسال است که شما درجریان جهاد وپس از سقوط رژیم کمونستي و بدست آوردن زمام امورکشور تاحال باهم می نشینید وکمیته ها میسازید وموافقتنامه ها به امضاء مي رسانید وحکومتها تشکیل میدهید و آخرین قرار،که گرفتنید آن بود که حکومتی را ساختید که شما در رأس آن قرار داشتید هیچ کاري را ازپیش نبرده در اختلافات دیگري فرو رفتنید پس چه فکر میکنی آیا این خواسته ها ئیکه تو پیشنها دمیکني میتواند اختلافات را ازمیان مجاهدین بشکل نهائی ریشه کن سازد؟

حکمتیار: ما راه حل بحران کنونی را در تفاهم جستجو مي کنیم، کسانیکه بر جنگ اصرار میدارند ومیخواهند که بر اریکه قدرت باقی بمانند وجهت این کار به توطئه ها وکمکهاي دولت هاي خارجي وکمونستها وماسکو متوصل میشوند مسؤلیت اصل جنگ را بعهده خواهند داشت.

چنانچه براي شما واضح است کسانیکه از تشکیل حکومت اسلامي درافغانستان مي هراسند علیه مجاهدین توطئه مي چینند و درهمه گوشه وکنار عالم علیه مسلمانان و اسلام دست اندر کار میشوند آنها نمي گذارند که بن بست کشور خود را بدست خویش و ازطریق تفاهم حل نمائیم و از این وسیله جهت ادامه جنگ ها در افغانستان استفاده می کنند.

المجتمع: ما نمي دانیم که منظورت از مجاهدین کیست وحالادر نظرت مجاهدین کدامها اند؟ اگر قوت هاي خودت مجاهدین اند پس نیرو هاي رباني نیروی مجاهدین نیستند. بر همگان برملااست که نیرو هاي دوستم وکمونستها نیروی مجاهدین نیستند وحالا شما با دوستم ائتلاف دارید وهم مطالبه دارید که زمام قدرت بدست مجاهدین باشد. وبه شهادت همه که زمام امور بدست استاد رباني قرار دارد است چگونه شما با رباني می جنگید و هم مطالبه می کنید که زمام امور بدست مجاهدین باشد، بزعم شمامجاهدین در افغانستان کدام ها اند؟

حکمتیار: بدست رباني هیچ چیزی نبود، فقط او را به عنوان سمبول نگهداشته بودند وبس!!

المجتمع: قدرت بدست مسعود بود، در حالیکه او بارز ترین وفادار رباني است؟

حکمتیار: آیا کسي که بخدا ایمان دارد ومجاهد بوده است چگونه به اوضاعیکه درجریان بیست ماه گذشته حاکم بود رضاسیت نشان میدهد؟هیچ امنیتی وجود نداشت وکسي را یاراي حرکت کردن درشهر کابل نبود و بدست رباني هیچ قدرتي نبود.

المجتمع: ولي داخل شدن نیرو هاي شما درجنگ علیه دولت وقرار گرفتن نیرو هایت در پهلوی نیرو هاي دوستم اهداف ومظاهر جنگ را مبهم ساخته است اگر نیرو ها یتحت فرماندهی شما با نیروهاي کمونست دوستم ائتلاف نمیکرد پدیده هاي جنگ و روش ومسیر اصلي جنگ گنگ باقي نمي ماند اما امروز کسي نمی تراند تعین کند که مجاهدیدن در کدام صف است ومخصوصاً از زمانیکه آقاي رباني اعلان جهاد نموده و موبدین او نیز از جهادش علیه دوستم وهمکاران ولی پشتیباني خویش را اعلام داشته اند.

حکمتیار: زمانیکه رباني و همکارانش بوسیله ائتلاف بصحنه آمدند کجا بودید؟ آنها که در نتیجه، ائتلاف با کمونستها وجنرالهای کمونست درکابل بر اریکه قدرت نشستند. آن کمونستهای که بر کابل حکم میرانند...درین مدت کجا بودید چرا برین وضع اعتراض نکردید؟

المجتمع: به چه چیز اعتراض میکردیم خودت در رأس حکومت قرار داشتی در سایه چنین وضعیتي خودت نخست وزیر بودی... اما ما اعتراض نداریم بلکه میخواهیم که از جنابعالی خواستار توضیح صحیح قضیه شوم تا براي مسلمانان حقیقت واقعی را منتقل بسازیم.

حکمتیار: حالا درنظر داریم که بحران از طریق تفاهم میان رهبران جهادی حل شود.

المجتمع: اگر لطف بفرمائید برایمان سیناریو یرا که بتصور شما مناسبترین راه جهت رهائي ازاین مشکل است توضیح دهید وچگونه میشود که ازخونریزي بیشتر مسلمانان در افغانستان جلوگیری صورت گیرد؟

حکمتیار: گفتم که مشکلات حاکم بر جامعه تنها میتواند که ازطریق استعفای بلاقید وشرط رباني راه حلي بیابد ورهبران دوباره گردهم آیند و یك حکومت مؤقت را تشکیل نمایند تا آن حکومت مؤقت بر انتخابات عمومي سر پرستي نماید وتشکیل یك ارتش اسلامي راتدارك ببیند وبا این شکل میتواند که بحران پایان یابد.

المجتمع: خودت افغانها وطبعیت آنهارا خوب مي شناسی ومحال است که آنها بر سر یك مسئله به زودی به اتفاق برسند پس معني این است که خونریزی وکشتار و ویراني در افغانستان ادامه پیدا میکند؟

حکمتیار: ما آماده هستیم که براین مسئله با تفاق برسیم.

المجتمع: پس چرا درخلال پانزده سال گذشته باین اتفاق نرسیدید بخصوص اینکه این حرف هیچ تغییری نمي کند؟

حکمتیار: در پشت کار امریکا قرار داشت و دست هاي امریکا وخود فروختگان وي بود که همیشه تلاش داشت مجاهدین به یك کلمه واحد متفق نشرند، و کار ها هم اینقدر اسان نبود، این دشمنان قسم خورده اسلام ما رانمي گذارند که به یك کلمه ونقطه اتفاق برسیم وحکومت اسلامي را در افغانستان تشکیل نمائیم. ولي بشما اطمینان میدهم که این بحران بزودی حل خواهد شد ومجاهدین بشکل نهائی با اتفاق خواهند رسید وبر مشکلات غالب خواهند آمد.

المجتمع: چه وقت؟ چه وقت خواهد شد؟ خون هاي مردم بیچاره افغانستان درنتیجه استمرار جنگ وخونریزي بزمین مي ریزد؟

حکمتیار: اگر قضیه ریختن خون باشد مگرنمی بني که خون مسلمانها چگونه درکشمیر وفلسطین و بوسنیا وسائر مناطق می ریزد وافغانستان هم یکي از این کشور ها است وقضیه آن چیزی استثنائي نیست. این جنگي است که دشمنان اسلام بر ما تحمیل کرده اند.!

المجتمع: خون هائیکه در آن مناطق مي ریزد بدست دشمنان اسلام مي ریزد نه بدست خود مسلمانان میخواهم که از جناب عالي بپرسم... آیا فعلاً براي تو رباني نزدیکتر است یا دوستم؟

حکمتیار: نزدیکتر به من کسي است که مسلمان است و بر استمرار جنگ سبب نگردد وخواهان حل بحران از طریق تفاهم شود.

المجتمع: آرزومندم که سوالم را پاسخ گوئید... آیا رباني را که در مبارزه طولاني هجرت وجهاد رفیق راهت بود بخود نزدیکتر مي دانید وتفاهم رابا او آسانتر یا دوستم وسائر کمونستهای را که درسال هاي گذشته. لحظه ای از جنك علیه مجاهدین دست نبرداشته اند؟

حکمتیار: میداني که دوستم در سال گذشته به مکه رفت وحج عمره به جاي آورد ورباني او را مجاهد کبیر خواند (جزئی ترین سندی موجود نیست که پروفیسور رباني دوستم را خداي نخواسته مجاهد کبیر گفته باشد این جمله فقط از زبان مجددی یار نزیك حکمتیار بیرون شده است مترجم ...) پنج بار به زیارت وي رفته بود وهنگامي که آقاي رباني ترکیه سفري داشت درجریان سفر او را نائب خود در قصر ریاست جمهوری مقرر نمود، (این هم مضحك است که گفته شود استاد رباني دوستم را در غیابش به حیث معاون ویا سرپرستش تعین کرده بود بلکه دوستم وقتیکه به کابل آمد از رئیس جمهور بخاطر امنیتش تقاضاکرد که از داخل ارگ مؤقتاً جاي دهد اگر بسر بردن شخصی براي دو سه شب معني تعین شدن وی به حیث معاون یاسرپرست باشد پس باید هر مهمان داخلی وخارجي هم که گاه گاهي به زیارت استاد می آمدند آنجاسرپرست نام نگذاریم...)مترجم

پس چگونه الآن او را کمونست میخوانند درحالیکه قبلاً او را مجاهد کبیر خوانده اند؟!!

اظهار داشتند که از کمونستها هیچ کسي در افغانستان باقي نمانده است.

وحالا که ائتلاف شان به شکست مواجه شد او را به کمونستي متهم می سازند چون آمریکا می گوید که او کمونست است شماهم میگوئید کمونست است.

المجتمع: لحظاتي پیشتر خودت گفتی که کمونستها اند که کابل راهدف بمبارد مان قرار میدهند وکسي که امروز کابل را ویران می کند دوستم وموشك های نیرو هوائي اش وائتلافیهایش هستند. پس چنین استنباط میشود که دوستم همرای کمونستها است...

حکمتیار: تو نمي داني که جنرال بسم الله که قوماندان فرودگاه بگرام(خدا انصافت دهد همه مسلمانان ومجاهدین افغانستان شاهد اند که جنرال بسم الله یك روز هم زیر سایه نظام کمونستی بسر نبرده بعد از آنکه از هجرت به جبهه رفت از سال ۱۳۵۸ به این طرف در جبهه های داغ علیه نیرو هاي اشغالگر روس و کمونستهاي وطن فروش جنگیده است ویکي از قوماندان هاي برجسته درپروان به شمار مي رود. مترجم) پیلوتهای کمونست پرچمي که از رفیقان ببرك کارمل اند کابل را زیر بمباردمان قرار میدهند.

المجتمع: ما میدانیم که فرودگاه نظامي بگرام درتصرف نیرو هاي مسعود است؛ اما جنگنده هایکه کابل را بمبارد مان مینماید از فرودگاه مزار شریف که در اختیار دوستم وکمونستان قرار دارد پرواز مي کند.

حکمتیار: کسانیکه کابل را بمبارد مي کنند از وابستگان رباني ومسعود اند.

المجتمع: چگونه آنها با مسعود ورباني همکاري میکنند و در عین حال نیروی های آنها را بمبارد میکنند؟؟

حکمتیار: تو طبعیت اوضاع را در کابل نمي دانی، ما در حالیکه دراطراف کابل قرار داریم هدف بمباردمان آنها قرار میگریم و برتمام مواضع مان آتش میگشایند وبم مي ریزند چنان معلوم میشود که شما فقط به رادیو بی بی سی وصدای امریکا گوش میدهید وبس.

المجتمع: اگر به صداي امریکا وبی بی سی گوش میدادم وآن را قبول میکردم جهت شناخت و دریافت حقایق با خردت ارتباط نمی گرفتم بصورت مستقیم از شما طالب توضیح اوضاع نمي شدیم...

حکمتیار: متشکرم... متشکرم

المجتمع: امید وارم که به سوالم پاسخ دهی ... آیا نیروهائیکه کابل را هدف بمباردمان قرار داده است از وفاداران تو و دوستم نیستند؟؟

حکمتیار: ...

مهندس حکمتیار بدون آنکه به سوالمان پاسخی بدهد تلیفون را قطع نمود وبه گفتگویمان بااین وضع پایان داد. اما جنگ خانمانسوز تاهنوز جریان دارد وخونهای پاك مردم بیدفاع کابل می ریزد.

المجتمع: امید وارم که به سوالم پاسخ دهی ... آیا نیروهائیکه کابل را هدف بمباردمان قرار داده است از وفاداران تو و دوستم نیستند؟؟

حکمتیار: ...

مهندس حکمتیار بدون آنکه به سوالمان پاسخی بدهد تلیفون را قطع نمود وبه گفتگویمان بااین وضع پایان داد. اما جنگ خانمانسوز تاهنوز جریان دارد وخونهای پاك مردم بیدفاع کابل می ریزد.

فتح

انا فتحنا لك فتحاً مبينا

دور دوم نشراتی شماره دوم شنبه ۳۰دلو ۱۳۷۲ هجری شمسی
مطابق ۹ رمضان المبارك ۱٤۱٤ - ۱۹ فبروری ۱۹۹٤

دها تن از مجروهان ملیشه های دوستم درچهار آسیاب از بی درمانی و فقدان داکتر در حالت مرگ بسر می برند

از چندین روز باینطرف تعداد زیادی از مجرومان جنگی ملیشه های دوستم بعد از نقل دادن شان به چهار آسیاب با مرگ دست و گریبانند. چون پرسونل صحی حکمتیار در امر تداوی ومعالجه زخمیان اولویت را به افراد خود حکمتیار می دهند و نیز تراکم و کثرت مجروحان جنگ برای پذیرش افراد دوستم جهت تداوی مجالي را نمی گذارد و درین مدت طیارات دوستم نتواسته است بخاطر انتقال این مجروهان عمل نماید.

ملیشه هاي به اصطلاح شورای هماهنگی با فیر چندین راکت به شهرمظلوم کابل آتش بس را نقض نمودند.

نیرو هاي دوستم حکمتیار چهارشنبه صبح با فیر چندین راکت بر مواضع نیرو هاي دولت اسلامی افغانستان ومناطق مسکوني شهر ستمدیده کابل آتش بس را نقض نمودند.

آتش بسیکه در پي تلاشهای زیاد مجاهدین و درخواست وتقاضای دبیر کل کنفرانس کشور هاي اسلامي حامد الغابد از سوی دولت اسلامي اعلام گردید وحکمتیار نیز موافقه خود رامبني بر رعایت از آن ابراز داشت.

سخنگوی به اصطلاح شورای هماهنگی دلیل نقض آتش بس را تکرار همان یاوه همیشگی، تقاضای استعفای رئیس دولت خواند وتأکید نمود که آنان تا برآورده شدن این منظور آتش بسی را رعایت نخواهند کرد.

اما مجاهدان دولت اسلامي افغانستان به آتش بس اعلام شده از سوی محترم رئیس دولت بمناسبت ماه مبارك رمضان وآتش بس چهار روزه اخیر کماکان عمل نموده وتنها در صورت حمله بر مواضع دولت ازخود دفاع خواهند کرد.

دافغانستان اسلامی دولت لخوا د اوربند اعلان وشو

دافغانستان اسلامی دولت رئیس محترم استاد برهان الدین رباني داسلامي هیوادونو کنفرانس مشر داکتر حامد الغابد په وړاندیز او د روژی دمبارکي میاشتی د راتگ په در ناوي دیو اړخیزاوربند اعلان وکړ.

داسلامي هیوادونو کنفرانس مشر داکتر حامد الغابد داسلام آباد په هوائی ډگر کي خبریالانو ته وویل : زه دافغانستان اسلامی دولت ددغه مثبت اونیك عمل ستاینه اومننه کوم، له نورو لورو نه هیله لرم چی هغوي به هم په داسي یوه نیك عمل اقدام وکړي

همدا راز په وروستیو خبرونو کي ویل شوي دي چي دافغانستان اسلامي دولت او حزب اسلامی په څلور ورځني اوربند سره توافق ښودلی دی.

دیادولو وړ ده دا اوربند چي دڅلورو ورځو لپاره اعلان شویدی دافغانستان اسلامي دولت مشروط په دی تکي منلي دی چی دکابل مظلومو ښاریانو ته دخوراکي موادو درارسیدو لپاره دي کابل ته تولي ترانزیتي لاري مخکي داوربند دتنفیذ نه پرانیستل شی.

که چیري داوربند نه سر غړونه کیږي نو دولت به دخپلو مورچلونو نه دفاع وکړی.

استعفای رئیس دولت راه...

استعفای رئیس دولت گردد.

از آنجائیکه استاد ربانی به اساس مصوبات مختلف، رئیس جمهور قانونی کشور میباشد هرگز صدر اعظم حق ندارد از رئیس دولت تقاضای استعفا کند، و در صورتیکه صدر اعظم وظیفه خود را نشناختهافعالیکه در حد صلاحیت او نیست از وی صادر شود قانوناً باید مورد باز پرس قرار گرفته به محکمه کشانده شود بناءً نافرمانی از رئیس جمهور به مفهٔ بی اعتنائی بقانون وحقوق جامعه تلقی می شود.

مطابق فیصله های اسلام آباد، جلال آباد وشورای عقد وحل پست ریاست جمهوری به استاد ربانی سپرده شده و برحسب توافقات نامبرده استاد ربانیٌ مسولیت دارد تا پایان مدت معین کشور را اداره نماید.

- در شرایط کنونی که فتنه بغاوت ملیشه ها وکمونیست باحمایت حکمتیار دولت اسلامی را تهدید مینماید ابقای استاد ربانی در پست ریاست دولت مبنی بر نظارت در امر استمرار جهاد و سرکوب فتنه ملحدین نسبت به هرزمان دیگر یك امر ضروری و لازمی میباشد.

دوام کار استاد ربانی تا پایان مدت تعین شده (شش ماه دیگر) هیچگاهی به مفهوم انحصار و هوس قدرت طلبی نه بلکه برای اثبات بالادستی قانون و رد هر گونه زور گوئی و بدماشی میباشد. زیرا هرنوع انعطاف و تأمل در برابر خاسته های غیر قانونی و غیر شرعی شیفته گان قدرت آنها را جرئت خواهد بخشید بغاوت در مقابل قانون و دولت اسلامی را پیشه خود سازند و گاه و بیگاه دست به طغیان و کودتا بزنند. در غیر آن اگر واقعاً با استعفای استاد ربانی از ریاست دولت مشکل موجود حل میشد و غریزه جنگ طلبان اشباع میگردید و به آرای مردم مراجعه صورت میگرفت نه تنها استاد رباني استعفا میکرد بلکه حاضر به هرنوع قربانی و فدا کاری بوده و هستند.

ولی متأسفانه که بلند کردن صدای استعفای رئیس دولت و صدر اعظم «در حالیکه صدر اعظم عملاً مستعفی بوده» فقط پوششی است برای تلافی شکست کودتا زیرا کودتاچیان جز شکست و ذلت دست آورد دیگری از کودتا برای اطرافیان و حامیان شان ندارند.

اگر تقاضای استعفای رئیس دولت اولین و تنها طرح ابتکاری حکمتیار برای حل مشکل می بود گنجایش غور در مورد آن توسط رئیس جمهور موجود بود، در حالیکه این اولین و آخرین طرح حکمتیار نبوده درگذشته شرط همکاری خود با دولت و احترام گذاشتن به فیصله های رهبران جهادي را منوط به استعفای صبغت الله مجددی رئیس شورای جهادی و ممثل ریاست دولت وقت (دشمن دیروز و برادر بزرگ امروزش) میدانست و میگفت تا صبغت الله خان استعفا نکند حاضر نیست با دولت همکاری نماید، وی این خاستش را با تهدید حمله بر کابل تکرار میکرد.

دیدیم که با استعفا و کنار رفتن مجددی حکمتیار در پی استعفای دیگران برآمد وی هنگام امضای معاهده اسلام آباد دست کشیدن از جنگ را مشروط به استعفای وزیر دفاع انجینر احمد شاه مسعود ساخت و روی آن موضوع آنقدر پافشاری نمود که بعضی ها به این باور شدند شاید استعفای وزیر دفاع کلید حل مشکل باشد!

اما زهی خیال باطل، احمد شاه مسعود برای اینکه بفهماند اصرار حکمتیار فقط یك نیرنگ است، با کمال میل و فداکاری از وزارت دفاع استعفا کرد، تا استعفا را تعریف نماید! مسعود استعفا کرد اما مشکل و عطش حکمتیار نه تنها از استعفا خواهی مرفوع نشد بلکه برمشکلات افزود گردید.

اینك یکسال بعد از آخرین شرط و آخرین استعفا، بازهم تقاضا برای استعفا، به عنوان تنها شرط پایان راکت باری بر کابل و حل بحران تصنعی موجود!!

اما این بار حکمتیار و شورای هم آهنگی(کمونستي اسلامی اش) باید بدانند که استعفا حربه ایست کهنه و رنگ باخته. دیگر نه این شعار شنونده دارد، نه این طرح میتواند مشکل راحل نماید ونه هم خواهد توانست آنهارا از بحرانیکه در آن گیر مانده اند نجات بدهد. دولت اسلامي با وجود تصمیم عاقبت نیاندیشانه حکمتیار در مذاکره راپیشروی وي بازگذاشته ولي در مقابل با ملیشه هاي ملحد و وحشی تا تسلیمي ویا نابودی آنها به جهاد ادامه خواهد داد.

دولت اسلامی افغانستان خواستار حل مسالمت آمیز...

اوضاع کشمیر روزتا روز به وخامت می رود و مردم مظلوم کشمیر با انواع مشکلات و مصائب جانکاه مواجه بوده و در میان آتش و خون دست و پا میزنند.

از آنجاتیکه چگونگی بحران کشمیر معلوم بوده و راه حل آن نیز معین میباشد. حکومت هند بدون توجه بواقعیت های مسلم. حقوق سیاسی واجتماعی مردم کشمیر را پامال نموده خلاف موازین و قوانین بین المللی، و با نقض صریح مصوبات سازمان ملل متحد در کشمیر با خشونت عمل مینماید. آنچه درکشمیر می گذرد مسئولیت بزرگ را متوجه مجامع بین المللی و حلقات آزادی خواه وصلح دوست جهان مینماید.

زیرا هر قدر فاجعه کنونی درکشمیر دوام کند تشنج در اوضاع منطقه افزایش می یابد.

دولت اسلامی افغانستان به منظور جلوگیری از وسعت تنش و با توجه به استقرار صلح و ثبات در منطقه خواستار حل مسالمت آمیز معضله کشمیر بر اساس فیصله های سازمان ملل متحد بوده و تقاضا می نماید تا از تحمیل فشار و بکار گیری قدرت بالای مردم بیدفاع کشمیر اجتناب بعمل آید.

دولت اسلامی افغانستان ضمن تاکید بر حل سیاسی معضله کشمیر حمایت از فیصله های سازمان ملل متحد را (رجوع به اراده مردم کشمیر در تعین سر نوشت آنها) عنصر عمده سیاست خود درین مورد میداند.

باداشت وزارت خارجهء دولت اسلامی افغانستان در...

طوریکه شواهد و اطلاعات دقیق میرساند حکومت جمهوری ازبکستان به مداخله اشکار بر علیه مردم مسلمان و حاکمیت ملی به انواع گوناگون ادامه می دهد چنانچه با آغاز جنگ اخیر درافغانستان این مداخلات به وضاحت محسوس گردید که با در نظر داشت علایق دوستی وحسن همجواری، دولت اسلامی افغانستان موضعگیری خود را طور دوستانه از طریق دیپلوماتیك به توجه مقامات کشور ازبکستان رسانیده و توقع داشت تا از چنین مداخلات جلوگیری به عمل آید ولی متاسفانه خلاف توقع دولت و ملت مسلمان افغانستان این مداخلات نه تنها قطع نگردید بلکه تشدید بیشتر یافت. دولت اسلامی افغانستان برین اعمال مداخله گرانه ازبکستان در امور داخلی افغانستان که نمایانگر سیاست غیر دوستانه آنکشور و مغایر منشور سازمان ملل متحد و کلیه اصول و موازین پذیرفته شده مناسبات بین المللي میباشد شدیداً احتجاج نموده و از مقامات آنکشور می طلبد تا از ادامه و تکرار همچو مداخلات که عواقب ناگوار و تاثیر منفي در روابط میان دو کشور همسایه درقبال خواهد داشت جداً اجتناب نماید و درغیر آن دولت اسلامی افغانستان در برابر چنین مداخلات بی تفاوت مانده نمی تواند. وزارت امور خارجه د.ا.ا»

له حکمتیار نه په کلکه غوښتنه کوو...

د کویت چاپ المجتمع اونیزی سره داتحاد اسلامی افغانستان امیر ورور پوهاند سیاف مرکه کړیده، پدغه مرکه کی دالمجتمع اونیزه له استاد سیاف نه خپلی پوښتني داسی پیلوی.

المجتمع: حکمتیار وایی چی پرته له تا نه بل هیڅ څوك له استاد ربانی سره په اتحاد کی برخه نلری نو دنورو احزابو دریځ څه دی په دی اړه؟

استاد سیاف: کوم جهاد چی دملیشه او کمونستو عناصرو پر خلاف دافغانستان اسلامی دولت رئیس لخوا اعلام شویدی داتحاد اسلامی افغانستان، حرکت انقلاب اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان دمولوی صاحب خالص ترمشری لاندی احزابو اوگڼ شمیر علماء تائید او ملا تړ کوی.

المجتمع: اوسنی وضع څه ډول ارزیابي کوی او لدی وضع نه دوتلو لار څه ده؟

استاد سیاف: پر کابل باندی دغه اوسنی تحمیل شوی حالت له توان نه بهر او دمنلو وړندی خو په هرحال بیا هم وضع دمجاهدینو په گټه ده او موږ هیله من یو چی مجاهدین ستری بریاوی دملیشه او ملحدینو په وړاندی ترلاسه کړی.

المجتمع: ولي مو ددوستم نه دحکمتیار دبیلیدو او جدا کیدو په برخه کي حکمتیار دیته مجبور نکړ چی مصالحه وکړی له مقابل لوری سره؟

استاد سیاف: دجگړی له پیل نه مو مخکی ډیری هڅی وکړي تر څو حکمتیار دیته اړکړو چی په جگړه کی برخه وانخلی او په دغه ساړه ژمی کی دی دخلکو دآزار او تکلیف زمینه مساعده نکړي او خپلی ستونزی دی له دولت سره دخبرو له لاری حل کړی خو نوموړی له خبرو تفاهم نه ډډه وکړه او دجگړی لاره یی خپله کړه خو اوس هم له حکمتیار نه په کلکه غواړو چی لدغه ناولی ائتلاف نه دی ووځی او له جگړی دی لاس واخلی.

مژده به علاقمندان فرهنگ اسلامی

مرکز نشرات اسلامی صبور که یکی از مراکز پخش ونشر فرهنگ وثقافت اسلامی میباشد کتب ذیل را به طبع رسانیده

۱- سیرت النبیﷺ تالیف مولانا محمدشاه ارشاد درسه جلد که جلد سوم آن برای اولین بار چاپ شده است.

۲- چهل حدیث نووی(رح) به لسانهای پشتو وفارسی.

تنظیم های اسلامی، مؤسسات وعلاقمندان میتوانند کتب فوق را از دفتر مرکزنشرات اسلامی بقسم عمده وپرچون به قیمت مناسب بدست آرند.

پشاور- ارباب رود- گل حاجی پلازه- منزل ۲- اتاق ۱۲۲

پنجصدتن از نیروهای...

گزارش مخابروی از بغلان حاکیست! یك تن از قوماندانان حزب اسلامی بنام ملامیرمحمدسالنگی با ۵۰۰ تن از افراد خود به دولت اسلامی پیوست.

گزارش می افزاید سلسلهء پیوستن افراد حزب اسلامی به دولت ادامه دارد وتعداد زیادی از قوماندانان حزب نامبرده برای پیوستن به دولت اظهار آمادگی نموده اند.

جنرال‌گروموف‌معاون...

صاحب منصب روسی در افغانستان کشته و زیادتر از پنج هزار زخمی و اسیر گردیدند.

گروموف افزود ما بخاطر اشغال افغانستان نه بلکه بخاطر کمك به دولت مورد حمایت مان، نیروهای خود را به افغانستان فرستادیم!!! ؟

لازم به یاد آوریست که درجریان ده سال جنگ خونین اردوی سرخ در افغانستان ملیونها تن از اتباع این کشور شهید، زخمی و مجروح گردیدند. سر انجام آخرین دسته از قشون سرخ در سال ۱۳٦۸ با گذاشتن از دریای آمو در حالی ازافغانستان فرار نمودند که طبق آمار و ارقام منتشره منابع غربی بیش از سی هزار افراد خود را در جنگهای ده ساله افغانستان از دست داده بودند.

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی افغانستان

تحت نظر هیئت تحریر